

تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق هسته‌ای؛

بازنمایی توافق هسته‌ای در جوک فارسی

سروناز تربتی* ، امین مهدوی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی جوک‌ها در خصوص توافق هسته‌ای که در شبکه‌های مجازی انتشار یافته‌اند، انجام شده است. مسئله اصلی این تحقیق آشکار کردن سویه‌های ایدئولوژیک و وابستگی این جوک‌ها در خصوص امر هسته‌ای با جناح‌های قدرت است و این سؤال مطرح است که چگونه زبان در مناسبات قدرت در قالب طنز و شوخ‌طبعی چرخش پیدا کرده است و همچون یک امر رهایی‌بخش از تحکم و نظم پایگانی موجود، امکان تفسیرهای متفاوت از گفتمان غالب و تک‌صدا را ایجاد می‌کند. در این مقاله از روش تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد سه‌بعدی فرکلاف، نظریه کارناوال باختین و طنز گروستیک استفاده شده است. بدین منظور تعدادی از

* استادیار علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق. sarvenaz.torbati@gmail.com

** کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق. amin239365@gmail.com

جوک‌های هسته‌ای در فضای مجازی تحلیل و بررسی شده‌اند. نتایج نشان داد که خیال‌پردازی حاصل از جنبه‌های ایدئولوژیک زبان جوک، وضعیت موجود را بازنمایی و بازتفسیر می‌کند و به ایجاد، حفظ و تغییر در روابط اجتماعی و کردارهای گفتمانی منتهی می‌گردد. همچنین با توجه به ویژگی‌های متنی آن مشخص شد که تعدادی از آن‌ها، بازتفسیری مثبت و تعدادی نیز بازتفسیری منفی از توافق هسته‌ای دارند. به نظر می‌رسد که بازنمایی مثبت در قالب ایدئولوژی قدرت حاکم (دولت یازدهم) و بازنمایی منفی در قالب ایدئولوژی اصولگرایان شکل گرفته است. در واقع، ژانر زبانی جوک در خدمت قدرت قرار گرفته و برای هژمونیک و چندصدایی شدن گفتمان‌های قدرت به کار گرفته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، توافق هسته‌ای، جوک، فرکلاف، ایدئولوژی، باختین

مقدمه و بیان مسئله

مذاکرات هسته‌ای با روی کار آمدن حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور دولت یازدهم، وارد دور جدیدی شد. حسن روحانی که با وعده توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، انتخاب شده بود، در ابتدای کار محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه دولت یازدهم را به‌عنوان سرپرست تیم مذاکره‌کننده با گروه کشورهای پنج بعلاوه یک (۵+۱) انتخاب کرد. این دور از مذاکرات در قالب مذاکرات نیویورک، ژنو ۴، ژنو ۵، ژنو ۶، لوزان و وین شکل گرفت که سرانجام محمدجواد ظریف به همراه تیم مذاکره‌کننده ایرانی، پس از بیست‌ودو ماه مذاکرات فشرده در تاریخ ۱۴ ژوئیه (۲۳ تیرماه) در وین پایتخت اتریش موفق به دستیابی به یک توافق جامع و نهایی با گروه ۵+۱ بر سر آینده برنامه هسته‌ای شدند.

تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق ... ۱۱۳

در این بین، در طول این مذاکرات و همچنین پس از رسیدن به توافق هسته‌ای، جوک‌هایی در رابطه با این مذاکرات و توافق در فضای مجازی منتشر شده است، که بازنمایی ایدئولوژیک دوسویه سیاسی این جوک‌ها از برج‌های قابل بررسی و تأمل است. از آنجا که در بازنمایی است که زبان، گفتمان، و ایدئولوژی اثرگذاری خود را نشان می‌دهد. بازنمایی از سه استراتژی کلیشه‌سازی، قطبیت، دوانگاری و طبیعی‌سازی بهره می‌جوید. (خانیک، ۱۳۹۴: ۱۱۴) تعدادی از این جوک‌ها بر اهمیت برج‌ها و مزایای آن و برخی نیز به معایب برج‌ها تأکید دارند، که در قالب گفتمان‌ها و یادگفتمان‌های جوک هسته‌ای تقسیم‌بندی می‌شوند. با توجه به فضای سیاسی ایران، گفتمان‌های مختلف در قالب ژانرهای زبانی جدیدی که یکی از آن‌ها ژانر زبانی جوک است، بازتولید شده‌اند. از آنجا که زبان در رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان با مناسبات قدرت پیوند دارد و می‌تواند در سطح کردارهای گفتمانی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، بدین ترتیب از اهمیت متنی خاصی برخوردار است. جوک‌ها به روش‌های خلاقانه تولید می‌گردند و چون اشکال گفتمانی می‌توانند در افکار عمومی توسعه و هژمونیک شوند.

بر این اساس، پژوهش حاضر در تلاش است با روش «تحلیل گفتمان انتقادی»^۱ به بررسی جوک در خصوص توافق هسته‌ای بپردازد. از دیدگاه نورمن فرکلایف تحلیل گفتمان انتقادی، "تحلیل گفتمانی که هدف از آن، کشف سیستماتیک روابط علت و معلولی غالباً مبهم در بین (الف) کردارهای گفتمانی، رویدادها و متون (ب) ساختارهای اجتماعی و فرهنگی گسترده، روابط و فرآیندهاست و همچنین بررسی می‌کند که چگونه چنین کردارها، رویدادها و متونی به وجود می‌آیند و چگونه به‌طور ایدئولوژیک با روابط قدرت و مبارزات بر سر قدرت، شکل می‌گیرند و کشف می‌کند چگونه ابهام و پیچیدگی در روابط بین گفتمان و جامعه، خود یک عامل برای حفظ قدرت و هژمونی است" (Fairclough, 1993: 135). به‌طور ساده می‌توان گفت که هدف تحلیل

گفتمان انتقادی شفاف‌سازی روابط بین کردارهای گفتمانی و ساختارهای اجتماعی با زبان در سطوح گوناگون متنی و غیر متنی آن است. زبان به‌مثابه قدرت که می‌تواند در ژانرهای متفاوت گفتمانی، ایدئولوژیک و هژمونیک شود.

تمرکز پژوهش حاضر، تحلیل جوک‌ها در خصوص توافق هسته‌ای به لحاظ ایدئولوژیک است. از نظر فرکلاف، "ایدئولوژی‌ها بازنمود جنبه‌هایی از جهان است که می‌تواند برای کمک به ایجاد، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت، سلطه و استثمار نشان داده شود" (Fairclough, 2003: 9). در واقع، در پی آنیم تا بدانیم جوک‌ها در خصوص توافق هسته‌ای به لحاظ ایدئولوژیک چه پیوندی با مناسبات قدرت در جناح‌های سیاسی متفاوت دارند. اهمیت بررسی جوک هسته‌ای در این است که نقش آن را در روابط قدرت می‌توان واکاوی کرد. در واقع به نظر می‌رسد که ژانر زبانی جوک، به هژمونیک شدن گفتمان قدرت‌های جناحی کمک می‌کند. در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان انتقادی که به‌طور خاص به رابطه بین زبان و قدرت و ایدئولوژی علاقه‌مند است، استفاده می‌گردد. فرکلاف (۱۹۸۹) در بحث گفتمان و قدرت، بین «قدرت درون گفتمانی» و «قدرت بیرون گفتمانی» تمایز قائل است. «قدرت درون گفتمانی» چیزی است که بعضی از افراد، قدرت را بر دیگران از طریق گفتمان اعمال می‌کنند. این مورد می‌تواند اشکال متنوعی داشته باشد که شامل شرکت‌کنندگان قدرتمندی است که مشارکت شرکت‌کنندگان ضعیف‌تر را کنترل و محدود می‌کنند و گاهی اوقات می‌توانند یک‌شکل از اجبار را اعمال کنند. «قدرت بیرون گفتمانی» ایده‌ای است که در نظم‌های گفتمانی و جنبه نشانه‌شناختی کردارهای اجتماعی پدیدار می‌شود و در درون روابط خاص قدرت و با استفاده از قدرت، حفظ می‌شوند یا تغییر می‌کنند (فرکلاف، آ^۱) (Fairclough, 2012: 113).

در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، به هنگام تحلیل رخدادهای ارتباطی باید سه سطح متن، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی موردتوجه قرار گیرند که در سطح

متن به ساختار زبانی توجه می‌شود، در سطح کردار گفتمانی، گفتمان‌ها و ژانرهایی که در تولید و مصرف متن مفصل‌بندی گشته‌اند لحاظ می‌گردد و در سطح کردار اجتماعی نیز به مجموعه ملاحظات و مشاهداتی مرتبط می‌گردد که نشان می‌دهد کردار گفتمانی در بازتولید یا زوال نظم گفتمانی دربرگیرنده متن، چه نقشی را ایفا می‌کند و این نقش برای کردار اجتماعی چه پیامدهایی دارد.

همچنین این جوک‌ها را می‌توان با نگاه کارناوالی باختین موردبحث قرار داد. جوک‌ها با قرار گرفتن در فضای مجازی به‌عنوان حوزه همگانی، موقعیت برابری را برای خنده مردم مهیا می‌کنند، و جدیت فرهنگ رسمی را به چالش می‌کشند. در این جوک‌ها امید به‌طور متناقضی با یأس همراه می‌شود و به‌طور موقتی رهایی‌بخش است و در لحظه‌ای ساختار نظام پایگانی را سست و متزلزل می‌کند. بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش آشکار کردن سوبه‌های ایدئولوژیک و وابستگی این جوک‌ها در خصوص امر هسته‌ای با جناح‌های قدرت و چندصدایی کردن گفتمان‌های غالب است و این سؤال مطرح می‌شود که چگونه زبان در مناسبات قدرت با تبدیل شدن به طنز و شوخ‌طبعی می‌تواند جنبه ایدئولوژیک پیدا کند؟

پیشینه تحقیق

در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که در این بخش به‌مرور برخی از پژوهش‌های که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش حاضر داشته‌اند، می‌پردازیم.

- فرقانی و عبدی (۱۳۹۵) با استفاده از الگوی سه‌بعدی نورمن فرکلاف به بررسی چگونگی بازنمایی زنان در جوک‌هایی که در شبکه‌های موبایلی در مورد آن‌ها ساخته شده است، پرداخته‌اند. آن‌ها تعداد بیست مورد از میان بیش از یک‌صد مورد

جوک جنسیتی را انتخاب و تحلیل کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جوک‌های جنسیتی، بازنمایی منفی و فرودست از زنان و دختران در مقابل مردان و حتی پسران داشته‌اند.

- اورتر (۲۰۰۳) با رویکرد تحلیل گفتمان اجتماعی زبانی به بررسی چگونگی استفاده طنز ظاهراً پرخاشگر توسط خانواده‌های کانزاسی برای اهدافی چون همبستگی، اتحاد و صمیمیت، پرداخته است. تحلیل انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد که خانواده از طنز برای رسیدن به اهداف مختلف تعاملی استفاده می‌کند و مهم‌تر از آن، هارمونی رابطه‌ای است که عمدتاً از طریق ترسیم تمام اعضا به دست داشتن در تعامل با طنز به آن می‌رسد.

- دیاباه و آپیاه آمفو (۲۰۱۵) با رویکرد تحلیل گفتمان فمینیستی، بازنمایی زنان در شماری از ضرب‌المثل‌های آکآن که به ازدواج کردن زنان اشاره دارد را بررسی کرده‌اند. آن‌ها ۶۲ مورد از ضرب‌المثل‌هایی را که درباره زنان از هر دو منبع نوشتاری و شفاهی برگرفته شده را مورد تحلیل قرار داده‌اند. آن‌ها پس از تحلیل به این نتیجه رسیده‌اند که آکان‌ها تمایل به معرفی زنان با روش‌های کلیشه‌ای خاص از طریق استفاده از ضرب‌المثل‌های جنسیتی دارند که اکثر آن‌ها می‌تواند به مثابه خفت‌آور، منفی یا پست تفسیر شود.

- خسروی نیک (۲۰۱۴) با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی گفتمان ایرانی در برنامه هسته‌ای به مثابه بازنمایی‌ای که در روزنامه کیهان شده است، پرداخته است. در این مقاله، رویکرد گفتمانی جامع روزنامه از نظر رویکرد جهانی، فراگیر، مشروعیت کلان سیاسی در مقابل گفتمان محلی برجسته شده است که به رویکرد مشروعیت خرد در جهت هویت‌های خود و دیگری و ماهیت کشمکش سیاسی بر سر برنامه هسته‌ای ایران محدود شده است.

بحث نظری

کارناوال باختین و طنز گروتسک

کارناوال از منظر باختین جشن رهایی موقت از حقیقت غالب و تحکم‌آمیز است؛ جشنی که در آن همه سلسله‌مراتب و ممنوعیت‌ها به حال تعلیق درمی‌آید و امر سرکوب‌شده بازمی‌گردد. او معتقد است کارناوال فرصت می‌دهد امر سرکوب‌شده‌ای که به واسطه یک سری سلسله‌مراتب بسته شده بودند بیرون بزند و همه متضادها باهم جمع شوند و ترکیب گردند. این رسوایی شخصی و بیرون زدن امر واقع در موقعیتی کارناوالی فراهم می‌آید که باختین در داستایوسکی و رابله به تفصیل از آن‌ها حرف می‌زند و از مشخصه‌های رمان به معنای واقعی می‌داند.

خنده کارناوالی، در تقابل با جدیت فئودالی و کلیسایی قرار می‌گیرد. لحن جدی فئودالی، انباشته از عواملی مانند: ترس، ضعف، اطاعت، تسلیم، دروغ، ریاکاری، خشونت، ارباب، تهدید و انواع ممنوعیت‌ها بوده است، اما خنده راستینی که در کارناوال وجود دارد، درحالی‌که لحن جدی را رد نمی‌کند، موجب پالودن و تکامل آن شده و آن را از جزمیت، یک‌جانبگی، جمود، تعصب و ورزی، خشک‌اندیشی، عناصر ترس یا ارباب، پندآموزی، و ساده‌اندیشی و اوهام و خشکی ابلهانه می‌پاید و جدیت را از انجماد و جدا شدن از کلیت تمام نشده زندگی روزمره بازمی‌دارد (باختین، ۱۳۷۷: ۴۸۸، ۴۹۱). فضای کارناوالی یک فضای همگانی پر از خنده است که همه برابر می‌شوند. کارناوال موقعیتی را ایجاد می‌کند که امر مقدس یا سلسله‌مراتبی را به تمسخر بگیرد تا از طریق آن رها بخش باشد. کارناوال منطقی پارادوکسیکال دارد، به این معنا که خنده کارناوالی در تقابل با جدیتی است که نظام پایگانی دارد و با تمسخر برای لحظه‌ای این نظام را می‌شکند و رهایی موقت ایجاد می‌کند.

باختین، خنده کارناوالی را با گروتسک^۱ در ارتباط قرار می‌دهد. گرچه پیشینه گروتسک به نخستین سال‌های مسیحیت، به‌ویژه در فرهنگ رومی می‌رسد، نخستین بار

1. Grotsgue

در نیمه دوم قرن شانزدهم در آثار فرانسوا رابله، در اشاره به اعضای بدن به کار گرفته و وارد عرصه ادبیات می‌شود (تامپسون، ۱۳۶۹: ۲۵ و ۲۷؛ به نقل از پیروز و حقیقی، ۱۳۹۳: ۷۰). گروتسک با طرد زهدگرایی و معنویت آن جهانی قرون وسطا، بر سویه‌های محسوس و جسمانی هستی بشری تأکید می‌کند (غلامحسین زاده و غلام پور، ۱۳۸۷: ۱۴۷؛ به نقل از همان). باختین گروتستیک در پیوند با خنده، طنز و جنبه کمیک و نازل فرهنگ توده‌ای، گروتسک را ترفیع می‌دهد و به اصل کارناوال عامیانه، محتوایی فلسفی و معنادار می‌بخشد که بیان‌کننده آرمان‌های اتویپایی زندگی جمعی، آزادی، برابری و فراوانی است (مکاریک، ۱۳۹۰: ۲۵۰؛ به نقل از همان). در کل، سخن کارناوالی، نظامی است که در آن برخلاف نظام حاکم، همه‌چیز با خنده، شوخی و مسخرگی پیش می‌رود؛ تابوها و محرمات شکسته می‌شوند، مردم نقاب‌ها و صورتک‌های عجیب، مسخره و ترسناک بر چهره می‌گذارند و در عریان‌ترین و بدوی‌ترین شکل ممکن ظاهر می‌شوند و به مقابله به هنجارهای حاکم می‌روند (شربتدار و انصاری، ۱۳۹۱: ۱۱۲؛ به نقل از همان) به همان میزان نیز گروتسک به شکلی متناقض امید را با یاس همراه دارد. زمانی که یک امر امیدوارکننده تبدیل به ناامیدی و یأس می‌گردد، استحکام و ساختار آن نظام سست و متزلزل می‌شود.

در فرهنگ ایرانی، نموده‌های گوناگونی از طنز کارناوالی دیده می‌شود، که از آن جمله می‌توان به جوک‌هایی اشاره کرد که در فضای مجازی منتشر می‌شوند. از یک سو فضای مجازی چون حوزه همگانی است که در آن، موقعیت برابری را برای خنده مردم ایجاد می‌کند؛ این خنده دوسویه است یعنی مردم هم خودشان بازیگرند و هم تماشاچی. از سوی دیگر، این جوک‌ها غالباً امر جدی را به مسخره می‌گیرند و گاه جدیت فرهنگ رسمی را همراه با نیشخند نقد می‌کنند. در واقع، جوک‌های انتشاریافته در فضای مجازی به‌مثابه فرهنگ کارناوالی یک کنش رهایی‌بخش از ایدئولوژی‌های موجود است و تمام سلسله‌مراتب و نظم‌های پایگانی به‌واسطه مردمی که در این فضای همگانی باهم برابر می‌شوند شکسته می‌شود. بنابراین، جدیت فرهنگ رسمی توسط این

جوک‌ها نفی می‌شود و در لحظه‌ای استحکام نظام را از بین می‌برد و رهایی موقتی را ایجاد می‌کند.

جوک به مثابه گفتمان

با توجه به سیمسون طنز و شوخ‌طبعی یک کردار گفتمانی است. بدین معنا که کارکرد طنز همچون گفتمان، نظم برتر^۱ محسوب می‌شود. در معنای فوکویی، این معنا حتی برتر از دیگر طبقه‌بندی‌های زبانی مانند ژانر است. طنز، مشتق شده از فرهنگی خاص، نهاد یا چارچوبی از باورها و شناخت‌هاست و این نظام‌ها را دربر می‌گیرد. همچنین، طنز نیاز به انگیزه‌ای دارد که از دریافت‌های تقبیح شده طنزپرداز از جنبه‌های بالقوه‌ای که هدف طنز است، ناشی می‌گردد. طنز همچون یک کردار گفتمانی از موقعیت گفتمانی سه‌گانه‌ای شکل گرفته است: ۱- طنزپرداز^۲ - ۲- مخاطب طنز^۳ - ۳- هدف طنز^۴ (آنچه مورد نقد گفتمان طنز قرار می‌گیرد). در این موقعیت سه‌گانه، طنزپرداز و مخاطب طنز در رویداد گفتمان، تصویب و مورد قبول واقع می‌گردند و هدف طنز، مورد توطئه و تبانی و انگیزه اصلی و اولیه طنز قرار می‌گیرد. (Simpson, 2003: 8)

از سوی دیگر بیناگفتمانی^۵ روابط گفتمان‌ها با یکدیگر است، یعنی جنبه‌ای از گفتمان که یک گفتمان را به گفتمان‌های دیگر ارتباط می‌دهد. فرکلاف به این بیناگفتمانی، "نظام‌های گفتمانی" (فرکلاف، ۲۰۰۳) می‌گوید. مارک آنجو، بیناگفتمانی را به منطق گفتگوی^۶ باختین ارجاع می‌دهد. در منطق گفتگوی باختین گفتار واحد معنادار و طبیعی است که دیگران باید به آن پاسخ بدهند. دیگران گفتار را با قرار دادن

-
1. high order
 2. satirist
 3. satiree
 4. satirised
 5. interdiscourse
 6. dialogism

در یک متن گفتمانی تفسیر می‌کنند. اما یک گفتار می‌تواند به شیوه‌های مختلف تفسیر شود و بیناگفتمانیت به همین موضوع دلالت می‌کند که چگونه چنین تفسیرهایی به صورت اجتماعی بر تفسیرهای دیگر امتیاز پیدا می‌کنند. از آنجاکه بیناگفتمانیت به تفسیرهای خاصی امتیاز می‌بخشد، بنابراین ارتباط نزدیکی با ایدئولوژی، هژمونی و قدرت دارد. (آنجو، ۲۰۰۴) از نظر باختین نشانه‌ها واقعیتی هستند که واقعیت دیگری را منکسر می‌کنند، بدین دلیل نشانه‌ها ایدئولوژیک هستند (Voloshinov, 1973: 10).

با توجه به خنده کارناوالی باختین، که قرار بر آن است تا در نظم پایگانی ایجاد شکاف کند، گفتمان غالب را با شکاف و تزلزل مواجه می‌سازد و اجازه می‌دهد تا تفسیرهای گوناگونی در بیناگفتمانیت سرکوب شده، سر برآورد. بدین ترتیب، خنده کارناوالی ایجاد شکاف در ایدئولوژی، هژمونی و قدرت است. بیناگفتمان‌ها دارای تفسیرهای گوناگون‌اند درحالی‌که گفتمان غالب تک‌صداست و چندصدایی را سرکوب ساخته و جنبه بیناگفتمانی خود را پنهان می‌سازد. جوک، گفتمان تک‌صدا را می‌شکند و امکان تفسیرهای دیگر را مهیا می‌سازد. باختین چندصدایی^۱ را میان گفتار اولیه (ساده) و ثانویه (پیچیده) طبقه‌بندی می‌کند. مفهوم چندصدایی که در زبان‌شناسی ادبی و انتقادی مرسوم است، با گفتمان طنز به صورت فعال‌تر توسط باختین پذیرفته شده است. از نظر باختین گفتمان‌های هنری، علمی و سیاسی اجتماعی گفتارهای ثانوی هستند که پیچیده‌تر، به شدت رشد یافته‌تر و دارای ارتباطات فرهنگی سازمان‌یافته می‌باشند. از این نقطه نظر طنز در جوهر خود ژانر گفتاری ثانویه بشمار می‌آید (Simpson, 2003: 80-81).

تحلیل گفتمان انتقادی (CDA)

تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) حوزه‌ای از پژوهش و تحلیل میان‌رشته‌ای است که به‌عنوان حوزه دانشگاهی مجزا در بیست‌وپنج سال پیش شروع به پیشرفت کرده است

1. Poly phoney

(حدود ۱۹۸۰) و در حال حاضر شامل شماری از رویکردهای مختلف است (Fairclough, 2006: 8). یکی از رویکردهای اصلی در تحلیل گفتمان انتقادی (CDA)، نظریه فرکلاف در این خصوص است. فرکلاف در پژوهش‌های اولیه خود، رویکردش به زبان و گفتمان را مطالعه انتقادی زبان نامید. او هدفش از این رویکرد را "کمک به افزایش کلی آگاهی نسبت به روابط اجتماعی استثمارگرانه از طریق تمرکز بر روی زبان" بیان می‌کند (Fairclough, 1989: 4). این هدف منحصراً در کارهای بعدی او توسعه بیشتری داشته است؛ به طوری که در حال حاضر یکی از جامع‌ترین چارچوب‌های تحلیل گفتمان انتقادی به شمار می‌رود (فرکلاف، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳، ۱۹۹۵؛ شولیارکی و فرکلاف، ۱۹۹۹). از دیدگاه فرکلاف، CDA ترکیبی از نقد گفتمانی و تبیین چگونگی آن در درون اشکال و مشارکت در واقعیت اجتماعی موجود به مثابه مبنایی برای کنش به تغییر این واقعیت موجود در روابط خاص است (Fairclough, 2014: 6). از نظر شولیارکی و فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی، "علوم اجتماعی و زبانشناسی را باهم در یک چارچوب واحد نظری و تحلیل به ارمغان می‌آورد، در واقع یک گفتگو میان آن‌ها راه‌اندازی می‌کند" (Chouliaraki & Fairclough, 1999: 6). زبانشناسی کاربردی سیستماتیک، تئوری زبانشناسی است که پایه و اساس چارچوب تحلیلی فرکلاف را تشکیل می‌دهد (Sheyholislami, 2009: 7). رویکرد فرکلاف همچنین بر اساس شماری از نظریه‌های انتقادی اجتماعی مانند فوکو (مفهوم نظم گفتمانی^۱)، گرامشی (مفهوم هژمونی^۲)، هابرماس (مفهوم استعمار گفتمانی^۳) و دیگران شکل گرفته است (Fairclough, 1989, 1992, 1995).

از دیدگاه فرکلاف، "نظریه کاربرد زبان به مثابه کردار اجتماعی این مفهوم را می‌رساند که اولاً زبان، سبکی از کنش است که به عنوان فلسفه زبان و مطالعات فلسفه

1. Order of discourse
2. Hegemony
3. Colonial discourse

عمل‌گرا^۱ به رسمیت شناخته می‌شود. همچنین اشاره دارد به این‌که زبان به‌طور اجتماعی و تاریخی در سبکی از کنش، در رابطه‌ای دیالکتیکی با دیگر جنبه‌های اجتماعی واقع شده است. یک رابطه دیالکتیکی که به‌طور اجتماعی شکل گرفته است، که البته همچنین به‌طور اجتماعی در حال شکل‌گیری یا شکل دادن است. تحلیل گفتمان انتقادی، کشمکش دو قسمت از کاربرد زبان، ...، به‌جای اتخاذ یک‌جانبه برای یکی یا دیگری، بشمار می‌آید. " (Fairclough, 1995: 54-55).

او در ادامه می‌افزاید: "کارکرد زبان در هر متنی همیشه به‌طور همزمان از: (۱) هویت‌های اجتماعی، (۲) روابط اجتماعی و (۳) نظام دانش و باور تشکیل می‌شود. بدین ترتیب، هر متنی سهم خودش را در شکل دادن این جنبه از جامعه و فرهنگ ایفا می‌کند. در موارد خاص، ممکن است یکی از سه مورد به‌ظاهر اهمیت بیشتری از دیگران داشته باشد، اما معقولانه این است که فرض کنیم هر سه همواره تا حدی در جریان کار دخیل هستند. علاوه بر این، کارکرد زبان در هر دو قسمت با روش متعارف به بازتولید و حفظ هویت‌های اجتماعی، روابط و نظام دانش و باور کمک می‌کند، و با روش خلاق آمیز آن‌ها را متحول می‌کند. هر مورد چه به‌صورت متعارف یا به‌طور خلاق آمیز، به شرایط اجتماعی و این‌که چگونه زبان در درون آن‌ها عمل می‌کند، بستگی دارد" (Fairclough, 1995: 54-55).

از نظر فرکلاف، برای تحلیل هر نوع خاص از گفتمان دو جنبه را باید در نظر گرفت: رخدادهای ارتباطی^۲ و نظم گفتمانی (Fairclough, 1995: 56). یک رخداد ارتباطی نمونه‌ای از کاربرد زبان است مانند سرمقاله روزنامه یا مستند تلویزیون که هرکدام یک رخداد ارتباطی‌اند و نظم گفتمان، به ترکیب‌بندی گونه‌های گفتمانی در یک‌نهاد اجتماعی یا یک حوزه اجتماعی گفته می‌شود. گونه‌های گفتمانی خود شامل گفتمان‌ها و انواع آن‌ها می‌شود.

-
1. Pragmatics
 2. Communicative events

تحلیل رخدادهای ارتباطی

تحلیل گفتمان انتقادی از یک رخداد ارتباطی، تحلیل روابط بین سه بعد یا جنبه از این رخداد است که فرکلاف متن، کردارهای گفتمانی^۱ و کردارهای اجتماعی فرهنگی^۲ می‌نامد. متون ممکن است مکتوب یا شفاهی باشند و متون شفاهی ممکن است فقط گفتار (رادیو) یا صحبت‌های بصری (تلویزیون) باشند. کردار گفتمانی به معنی فرآیندهای تولید و مصرف متن است، و کردار اجتماعی فرهنگی به معنی رویدادهای اجتماعی و فرهنگی است که رخداد ارتباطی بخشی از آن محسوب می‌شود.

الف) متن

اولین روش تحلیلی از مدل سه‌بخشی فرکلاف، متن است. تحلیل متن، تجزیه و تحلیل زبانی از نظر واژگانی، دستوری، معنایی، سیستم صوتی (صدا شناسی) و نظام به‌هم‌پیوستگی بالاتر از سطح جمله را شامل می‌شود (Fairclough, 1995: 57). تحلیل زبانی، ویژگی‌های واژگانی - دستوری و معنایی متن را مورد استفاده قرار می‌دهد که این دو جنبه، تأثیر متقابل بر روی یکدیگر دارند (Fairclough, 1995: 57-58). پیرو زبان‌شناسی نقش‌گرای سیستمیک، فرکلاف متن را از دیدگاه چند عملکردی در نظر می‌گیرد. با توجه به نظر فرکلاف، هر جمله در یک متن از نظر بیان این توابع قابل تجزیه و تحلیل است، بنابراین او بازنمودها، روابط، و هویت‌ها را برچسب‌گذاری مجدد می‌کند:

- بازنمودهای خاص و دوباره بافتمندی کردار اجتماعی (عملکرد اندیشگانی) -

شاید رساندن ایدئولوژی‌ها خاص

- ساختار خاص هویت‌های نویسنده و خواننده (برای مثال، به لحاظ این‌که چه

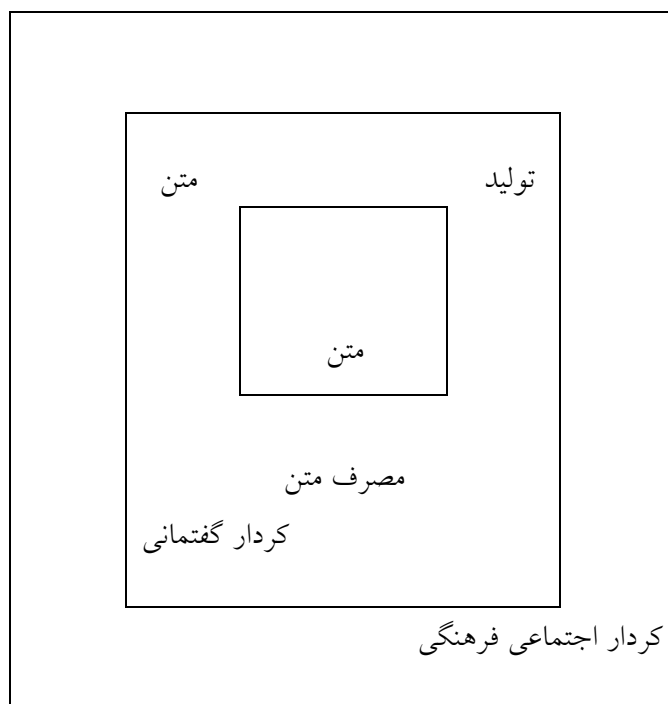
چیزی برجسته است - چه جنبه‌های جایگاهی و نقشی هویت و یا جنبه‌های فردی و شخصیتی هویت).

-
1. Discourse practice
 2. Sociocultural practice

- یک ساختار خاص از رابطه بین نویسنده و خواننده (برای مثال، رسمی یا غیر رسمی، نزدیک یا دور) (Fairclough, 1995: 58).

ب) کردارهای گفتمانی

بر طبق نظر فرکلاف، این بعد دارای دو جنبه است: فرآیند نهادی (مانند مراحل ویرایش) و فرآیندهای گفتمانی (تغییرات متن از طریق رفتن در تولید و مصرف). (Fairclough, 1995: 58) برای فرکلاف، "کردار گفتمانی سابقه تقسیم بین جامعه و فرهنگ از یک سو و گفتمان، زبان و متن را از سوی دیگر دارد" (Fairclough, 1995: 60) (همان‌طور که در شکل (۱) نشان داده شده است).



شکل ۱- چارچوبی برای تحلیل گفتمان انتقادی یک رخداد ارتباطی (Fairclough, 1995: 59)

فرآیندهای گفتمانی می‌توانند از طریق بحث در مورد مفهوم اصلی در رویکرد فرکلاف که همان بینامتنیت است، بهترین توضیح را بدهند (Sheyholislami, 2009: 8).

– بینامتنیت^۱ و تحلیل بینامتنی

واژه «بینامتنیت» برای اولین بار توسط کریستوا^۲ در اواخر دهه ۱۹۶۰ به کار رفت (Fairclough, 1992a: 269). مفهوم بینامتنیت اشاره به تولید متون دارد، به این‌که چگونه متون می‌توانند به متون قبلی تبدیل شوند و چگونه بازسازی قواعد موجود در متون جدید تولید می‌شود (Fairclough, 1992a: 270). برپایه اصول بینامتنیت هیچ متنی بدون پیش متن نیست و همراه متن‌ها بر پایه‌های متن گذشته بنا می‌شود. (رشیدی، ۱۳۹۴: ۱۸۰) در چارچوب تحلیلی، درحالی‌که در سطح متن تحلیل زبانی وجود دارد، در سطح کردار گفتمانی نیز تحلیل زبانی وجود دارد که فرکلاف به آن "تحلیل بینامتنی" می‌گوید (Fairclough, 1995: 61). بر طبق نظر او (همان): تحلیل بینامتنی بر مرز میان متن و کردار گفتمانی در چارچوب تحلیل متمرکز است. تحلیل بینامتنی از زاویه کردار گفتمانی به متن می‌نگرد که به دنبال آثار کردار گفتمانی در متن است.

طبق نظر فرکلاف، تحلیل زبانی به‌طور طبیعی توصیفی است، درحالی‌که تحلیل بینامتنی بیشتر تفسیری است. بینامتنیت به نفوذ تاریخ بر یک متن و نفوذ متن بر تاریخ اشاره دارد که طی آن متن از متون پیش از خود برداشت می‌کند و به‌این ترتیب به تحول و تغییر تاریخی آن کمک می‌کند (Fairclough, 1992b: 102). در واقع، هیچ متنی را نمی‌توان به‌تنهایی و بدون اتکا به متون دیگر فهمید، زیرا نمی‌توان از استفاده کردن لغات و عباراتی که دیگران قبلاً استفاده کرده‌اند اجتناب کرد. بنابراین بینامتنیت نشان‌دهنده آن است که همه رخدادهای ارتباطی به‌نوعی به رخدادهای پیشین مربوط‌اند

1. Intertextuality
2. Kristeva

و از آن‌ها بهره می‌گیرند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۷). در این زمینه می‌توان به متن ژانر زبانی جوک‌ها در این تحقیق اشاره کرد که تنها در چارچوب بینامتنی مسائل و رویدادهای سیاسی گفتمان توافق هسته‌ای و همچنین گفتمان‌های مخالف و موافق با این توافق، قابل بررسی و تفسیر می‌گردد.

فرکلاف دو نوع از بینامتنیت را معرفی می‌کند: "بینامتنیت صریح" و "بینامتنیت سازنده". (Fairclough, 1992b: 85) بینامتنیت صریح اشاره دارد بر به‌کارگیری آشکار متون دیگر در یک متن که با علائم نقل قول نشان‌دهنده حضور دیگر متون است. اما بینامتنیت سازنده، عناصری از یک نظم گفتمانی دیگر در یک متن را به کار می‌گیرد (بیناگفتمانگی). استفاده از سخنان سیاستمداران در جوک نمونه‌ای از فرآیند بیناگفتمانگی است. ژانر زبانی جوک و طنز، به شکل غیرصریح عناصر گفتمانی موجود در گفتمان موجود را بکار می‌گیرد؛ این عناصر گفتمانی غیرصریح، به شیوه‌های گوناگونی چون اغراق‌گویی و بزرگ‌نمایی، گفتمان موجود را بازنمایی می‌کنند.

ج) کردارهای اجتماعی فرهنگی

تحلیل بُعد کردار اجتماعی فرهنگی ممکن است از رویدادی خاص، سطوح برداشتی مختلف داشته باشد؛ ممکن است شامل بافت موقعیتی فوری یا بافت گسترده‌تر کردارهای نهادی که درون رویداد یا چارچوب گسترده‌تر از جامعه و فرهنگ تعبیه شده است، باشد (Fairclough, 1995: 62). برای فرکلاف، تحلیل در این بُعد، سه جنبه از بافت اجتماعی فرهنگی رخداد ارتباطی را شامل می‌شود: اقتصادی، سیاسی (در ارتباط با قدرت و ایدئولوژی رسانه) و فرهنگی (در ارتباط با پرسش از ارزش و ایدئولوژی). بر طبق نظر او، لازم نیست انجام تحلیل در تمام سطوح باشد بلکه هر سطحی ممکن است در ارتباط با درک رویداد خاص باشد (Sheyholislami, 2009: 9). ژانر زبانی جوک نیز در هر یک از این سه بُعد قابل بررسی و تحلیل است؛ به‌ویژه در بعد سیاست

فرهنگی؛ ارزش‌ها و باورهایی را که در بافت سیاسی اجتماعی مسلط شده است را بازتولید می‌کند.

تحلیل نظم گفتمانی

نظم گفتمانی، شامل مجموعه عناصر و گفتمان‌هایی است که در قالب یک گفتمان زبانی قدرتمندتر مفصل‌بندی و معنادار می‌گردند. برخی از این نظام‌های گفتمانی با توجه به دوره زمانی خاص در بافت موقعیتی خود، قابلیت تحلیلی و تفسیری پیدا می‌کنند. نظام گفتمانی جوک‌ها، در زمینه‌های متفاوت دارای ارزش‌های تحلیلی و تفسیری متفاوت هستند. برخی از جوک‌ها متعلق به بافت موقعیتی در دوره خاصی هستند و برخی گستره زمانی طولانی‌تری را در برمی‌گیرند. نظام زبانی جوک‌های سیاسی غالباً در چارچوب بافت موقعیتی زمانی قرار دارند که پس از اتمام آن دوره، کارکرد گفتمانی و کرداری خود را از دست می‌دهند. بدین ترتیب، می‌توان به یک رابطه دیالکتیک میان ژانرهای گفتمانی و رخداد‌های اجتماعی قائل بود.

یورگنسن و فیلیپس درباره نظم گفتمانی می‌نویسند: "فرکلاف به رابطه‌ای دیالکتیک میان رویدادهای ارتباطی و نظم گفتمانی قائل است. نظم گفتمانی یک نظام یا سیستم است، اما نه به معنای ساختارگرایانه آن. به این معنا که رویدادهای ارتباطی نه تنها نظم‌های گفتمانی را بازتولید می‌کنند، بلکه می‌توانند با استفاده خلاقانه از زبان آن‌ها را تغییر دهند... (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۵). نظم گفتمانی مجموع تمام ژانرها و گفتمان‌هایی است که در یک قلمرو مشخص اجتماعی به کار گرفته شده‌اند. نخست این‌که نظم گفتمانی یک نظام است به این معنا که توسط نمونه‌های مشخص کاربرد زبان شکل گرفته و به آن‌ها شکل می‌بخشد. بدین ترتیب، هم ساختار است و هم کردار استفاده از گفتمان‌ها و ژانرها به‌منزله منابع ارتباط، به‌وسیله نظم گفتمانی کنترل می‌شوند چون نظم گفتمانی منابع (گفتمان‌ها و ژانرها) در دسترس را می‌سازد و آنچه را

می‌توان گفت محدود می‌کنند. اما درعین حال کاربران زبان می‌توانند نظم گفتمانی را با به‌کارگیری گفتمان‌ها و ژانرها به شیوه‌ای جدید یا با واردکردن گفتمان‌ها و ژانرهای متعلق به سایر نظم‌های گفتمانی تغییر دهند. نظم‌های گفتمانی به‌خصوص هنگامی آمادگی تغییر را خواهند داشت که گفتمان‌ها و ژانرهای متعلق به دیگر نظم‌های گفتمانی به خدمت گرفته شوند."

تولید این نظام‌های زبانی ضرورتاً به نهاد خاصی مربوط نمی‌شوند، بلکه می‌توانند به‌طور آزاد در قلمرو اجتماعی یا به‌زعم هابرماس، در "حوزه عمومی" که مستقل از دخالت دولت است، تولید شوند. در این خصوص یورگنسن و فیلیپس می‌گویند: "فرکلاف در آثار اولیه‌اش نظم گفتمان‌ها را به نهادهای خاصی مرتبط می‌کرد (برای مثال نظم گفتمانی رسانه‌ها) (فرکلاف، ۱۹۹۵)، اما درعین حال تأکید می‌کرد که گفتمان‌ها و نظم‌های گفتمانی می‌توانند ورای مرزهای نهادی عمل کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۵). او در اثر متأخرش که به همراهی شولیارکی تألیف کرده است، مفهوم «مفهوم گفتمانی» را به شکل سودمندی به مفهوم «میدان» پیر بوردیو پیوند زده است (شولیارکی و فرکلاف، ۱۹۹۹). به‌طور خلاصه، میدان از نظر بوردیو یک قلمرو اجتماعی نسبتاً مستقل است که از یک منطق اجتماعی خاص تبعیت می‌کند (بوردیو و واکونت، ۱۹۹۶: ۹۴). از نظر بوردیو، جامعه متشکل از انواع این میدان‌هاست، که تحت حاکمیت «میدان قدرت» فراگیری قرار دارند و در شبکه پیچیده‌ای از روابط به یکدیگر پیوند خورده‌اند."

نفوذ گفتمان سیاسی در بطن جامعه و رویدادهای منتج از آن میدان‌های گفتمانی را بوجود می‌آورد که در شبکه روابط قدرت و نظام گفتمانی، خود را چون ژانرهای زبانی مستقل از نهادها نمایان می‌سازند. از نظر فرکلاف، "گفتمان سیاسی به‌مثابه یک نظم گفتمانی درک می‌شود که پیوسته در درون فرآیندهای گسترده‌تر تغییر اجتماعی و فرهنگی در حال عوض شدن است". نظم گفتمان سیاسی، وضعیت ساخت‌مند گونه‌ها و گفتمان‌هایی است که گفتمان سیاسی را شکل می‌دهند و نظامی - ولو یک نظام باز و

متغیر - که گفتمان سیاسی را در نقطه زمانی معینی تعریف و مرزبندی می کند (فرکلاف، ۱۳۸۸: ۲).

ایدئولوژی و قدرت

گفتمان زمانی خصلت گفتمانی پیدا می کند که ایدئولوژیک شود، یعنی در خدمت قدرت قرار بگیرد و باورهای جامعه را بر سازد. قدرت یک جامعه وابسته به باورهای آن جامعه است. هراندازه نظام ایدئولوژیک موفق به برساخت باورها و نظام معناداری یک جامعه شود، از خصلت گفتمانی بالاتری برخوردار خواهد بود و کردارهای گفتمانی و اجتماعی در این نظام، طبیعی سازی می شوند. ایدئولوژی "معنا در خدمت قدرت است." (Fairclough, 1995: 14) ایدئولوژی همچنین در مسیر طبیعی شدگی سازماندهی انواع خاصی از تعامل، ضمنی است (Fairclough: 14) و نشان می دهد که معانی به طور ایدئولوژیکی عمل می کنند در واقع در خدمت روابط سلطه در موارد خاص هستند (همان). فرکلاف در تحلیل گفتمان می نویسد: "ایدئولوژی ها می توانند با گفتمان ها (به عنوان بازنمودها)، با ژانرها (به عنوان مصوبات)، و با سبک ها (به عنوان اقناع) همراه باشند" (Fairclough, 2003: 9). بنا به تعریف فرکلاف، گفتمان ها می توانند کم و بیش ایدئولوژیک باشند، گفتمان های ایدئولوژیک آن هایی اند که به حفظ و دگرگونی مناسبات قدرت کمک می کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۳۱).

از نظر یورگنسن و فیلیپس (همان)، برداشت فرکلاف از ایدئولوژی به مثابه پدیده ای که در کردار گفتمانی ریشه دارد برگرفته از نگرش جان تامپسون به ایدئولوژی است. در دیدگاه تامپسون، ایدئولوژی کرداری است که درون فرایندهای تولید معنا در زندگی روزمره رخ می دهد و معنا را به نحوی به خدمت می گیرد که روابط قدرت را حفظ کند (تامپسون، ۱۹۹۰). فرکلاف همچون بسیاری از نظریه پردازان اجتماعی و فرهنگی، در رویکردش نسبت به ایدئولوژی از نظریه آلتوسر و گرامشی بهره می گیرد. با

توجه به این‌که آلتوسر و گرامشی، به‌عنوان نمایندگان برجسته نئومارکسیست، معتقدند تولید معنا در زندگی روزمره نقش مهمی در حفظ نظم اجتماعی دارد؛ فرکلاف درعین‌حال که منکر برداشت آلتوسر از ایدئولوژی به‌مثابه یک کل است؛ همچنین معتقد است که افراد را می‌توان درون ایدئولوژی‌های مختلف و رقیب جای داد، که این امر منجر به حس تردید و عدم اطمینان می‌گردد و ما را از تأثیرات ایدئولوژی آگاه می‌سازد. این موضع متکی به ایده گرامشی است که «عقل سلیم» حاوی عناصر متعدد رقیبی است که محصول مذاکره بر سر معناست که تمامی گروه‌های اجتماعی در آن شرکت دارند. (گرامشی، ۱۹۹۱) هژمونی صرفاً سلطه نیست بلکه فرایند مذاکره‌ای است که طی آن اجتماعی بر سر معنا به دست می‌آید. وجود همین عناصر رقیب بذره‌های مقاومت را در خود دارند چون عناصری که معنای حاکم را به چالش می‌کشند ابزاری برای مقاومت در اختیار افراد قرار می‌دهند. در نتیجه هژمونی هرگز ثابت نیست بلکه تغییر می‌کند و ناتمام است و همواره فقط درجه‌ای از اجماع وجود دارد - «موازنه‌ای بی‌ثبات و متناقض» (Fairclough, 1992b: 93).

از نظر فرکلاف، قدرت به‌منظور دستیابی به هژمونی از دو طریق وارد مبارزه قدرت می‌شود:

الف. «ازلحاظ درونی» در درون نظم گفتمانی نظام سیاسی در مفصل‌بندی کردارهای گفتمانی مختلف؛

ب. «ازلحاظ بیرونی» با مفصل‌بندی نظام‌های متفاوت و نظم‌های گفتمان مختلف (فرکلاف، ۱۳۸۸: ۷ و ۸). (که در بخش گذشته به آن پرداختیم).

به عقیده فرکلاف، مفهوم هژمونی وسیله‌ای در اختیارمان می‌گذارد که با کمک آن می‌توان نشان داد که کردار گفتمانی چگونه بخشی از کردار اجتماعی گسترده‌تر درگیر در روابط قدرت را تشکیل می‌دهد: کردار گفتمانی را می‌توان به‌مثابه جنبه‌ای از منازعه‌ای هژمونیک به شمار آورد که به بازتولید و تغییر و تحول نظم گفتمانی‌ای که

تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق ... ۱۳۱

بخشی از آن است (و در نتیجه بازتولید و تحول مناسبات قدرت موجود) کمک می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۳۳).

بر همین مبنا، طرفداران احزاب و گروه‌های سیاسی در تلاش‌اند با گفتمان سازی در سطح عموم جامعه از طریق رسانه‌ها و ارتباطات غیرصریح مانند جوک؛ گفتمان و نظم گفتمانی را بازتولید و مفصل‌بندی کنند تا در درون روابط قدرت در نزاع با گفتمان‌های رقیب، قدرت و پایداری خود را تثبیت کنند. بدین ترتیب، برای طرد گفتمان‌های رقیب در این منازعه هژمونیک، با بازتولید معانی، نظام گفتمانی خود را مرزبندی و متعین می‌سازند. قدرت، قدرت تثبیت معنا توسط بکارگیری زبان است، و هژمونی صرفاً نه به معنای سلطه بلکه برتری و سروری معناداری و پذیرش زبان است. بدین ترتیب، زبان همچون یک رسانه، در اشکال و ژانرهای متفاوت می‌تواند در مرزبندی گفتمانی عمل کند. با توجه به ژانر زبانی جوک که در خصوص جریان‌های سیاسی- اجتماعی هر دوره شکل می‌گیرد؛ می‌توان جوک‌هایی را که در خصوص توافق هسته‌ای دولت یازدهم در میان عموم مردم توسط شبکه‌های مجازی رواج پیدا کرد را به‌عنوان اشکالی از ارتباطات در نظر گرفت که در این منازعه‌های هژمونیک برای تقویت نظام‌های گفتمانی هر جناح سیاسی بکار گرفته شده است.

روش‌شناسی (متدلوژی)

در این پژوهش، از تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد فرکلاف استفاده شده است. در رویکرد گفتمانی فرکلاف، زبان به‌مثابه شکلی از کردار اجتماعی است. در نظر او، هیچ رابطه خارجی بین زبان و جامعه وجود ندارد بلکه یک رابطه درونی و دیالکتیکی است (Fairclough, 1989: 22-23). بدین ترتیب در نگاه فرکلاف به زبان به‌مثابه گفتمان و کردار اجتماعی، نه‌تنها متون بلکه فرآیندهای تولید و تفسیر نیز تحلیل

می‌شوند. بنابراین بر طبق نظر فرکلاف (Fairclough, 1989: 26) تحلیل گفتمان انتقادی در سه بُعد انجام می‌گیرد:

- توصیف مرحله‌ای است که در رابطه با ویژگی‌های صوری متن است.
- تفسیر به رابطه بین متن و تعامل مربوط است. با نگاه متن به‌مثابه محصول یک فرآیند اجتماعی و به‌مثابه منبعی در فرآیند تفسیر؛ باید توجه کرد که از دیدگاه فرکلاف استفاده از واژه تفسیر برای هر دو فرآیند تعاملی و یک مرحله از تحلیل است.
- تبیین با روابط بین تعامل و بافت اجتماعی در ارتباط است - با تعیین اجتماعی از فرآیند تولید و تفسیر و تأثیرات اجتماعی‌شان.

برای این مقاله ۵۰ جوک که در رابطه با مذاکرات و توافق هسته‌ای در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته، مورد بررسی قرار گرفته است که به علت کاهش حجم مقاله، تعداد ۸ مورد از جوک‌ها در سطح توصیف تحلیل می‌گردند. برای جمع‌آوری این جوک‌ها از کانال‌های تلگرام و فراخوان اعضای گروه‌های مختلف تلگرامی برای ارسال جوک‌ها، استفاده شده است. با توجه به انتقادی و کیفی بودن این پژوهش، نمونه‌گیری به صورت غیر تصادفی هدفمند صورت گرفته است. در این روش از نمونه‌گیری، پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به صورت ذهنی انتخاب می‌کند (فرانکفورد و نجمیاس، ۱۳۸۱: ۲۶۴). در واقع، نمونه‌گیری هدفمند جوک‌ها با توجه به نظریه کارناوال باختین و طنز گروتسک صورت گرفته است. جوک‌های انتخاب شده جوک‌هایی هستند که سعی بر نقض جدیت فرهنگ رسمی (توافق هسته‌ای همچون روابط دیپلماتیک رسمی) را داشته و با ریشخند، امر جدی را به سخره گرفته تا امر سرکوب شده را آزاد و رهایی‌بخشی موقت را ایجاد کنند. این جوک‌ها بر اساس فرهنگ کارناوالی به زندگی جسمانی و روزمره انسان توجه دارند و شکلی از تمسخر نسبت به فرهنگ ریاضت‌کشی که در امر تحریم‌های سیاسی وجود داشته، را دارند.

تحلیل و بررسی یافته‌ها

توصیف

• می‌گن تا چند ماه دیگه بنزین میشه لیتری ۵۰۰ ریال، اونم عمراً آگه ظریف بذاره حساب کنی!

ارزش‌های تجربی

تا چند ماه دیگه، بنزین میشه لیتری ۵۰۰ ریال:

«تا چند ماه دیگه» در این جوک به‌طور ضمنی نشان از زمانی است که توافق هسته‌ای انجام می‌شود. در واقع، با به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و توافق با ۵+۱ بر سر مسائل هسته‌ای و در پس آن، با توجه به گزاره «بنزین میشه لیتری ۵۰۰ ریال» رفع تحریم‌های هسته‌ای است که باعث رفع مشکلات اقتصادی و بهبود اقتصاد کشور می‌شود.

ارزش‌های رابطه‌ای

اونم عمراً، بذاره حساب کنی: این جوک با استفاده از لحن محاوره‌ای و سبک عامیانه و کوچه‌بازاری در تلاش است تا رابطه اعتماد و همبستگی بین خوانندگان و دولت را ایجاد کند و ویژگی اقناعی جوک را تا حد زیادی افزایش می‌دهد.

بنزین میشه ۵۰۰ ریال: اغراق در قیمت بنزین (لیتری ۵۰۰ ریال) جنبه طنز جوک را افزایش می‌دهد. از طرفی با توجه به کاهش شدید بنزین جنبه اقناعی توافق هسته‌ای را بالا می‌برد.

می‌گن: هرچند این جوک دارای مضامین اغراق‌آمیز و طنز است، اما با آوردن واژه «می‌گن» در ابتدای جمله، آن را در قالب جمله خبری بیان می‌کند، که در طبیعی سازی موضوع جوک و باورپذیری آن، مؤثر می‌باشد. در واقع، از صورت‌بندی شکل‌گرفته برای رسیدن به مقصد که همان مثبت بودن توافق هسته‌ای است استفاده شده است.

به پوشش و نه بهبود روابط دیپلماتیک است. مردم، رابطه با آمریکا را در حد رفتن به مهمانی عروسی تقلیل داده‌اند. چه بسا که آمریکا را به‌عنوان جامعه‌ای شیک‌پوش و اهل مد تلقی می‌کنند. این مسئله می‌تواند تا اندازه‌ای ارزش‌های زندگی روزمره ایرانی را نشان دهد که در مقابل یک غریبه می‌خواهند با ظاهرسازی، خود را فراتر از طبقه اجتماعی خود نشان دهند. نگاه و قضاوت دیگری غالباً در فرهنگ ایرانی اهمیت دارد. روابط دیپلماتیک، رفع تحریم و تخصیصات سیاسی با نوعی نگاه خاله‌زنک در این جوک بازنمایی شده است.

• باید از کارتم پول بردارم. از صبح نرفتم. منتظرم تحریم رو بردارن یهو به‌جای بیست هزار تومن، بیست هزار دلار بردارم. می‌خوام دوباره‌کاری نشه!

ارزش‌های تجربی

منتظرم تحریم رو بردارن: این جمله اشاره ضمنی به توافق هسته‌ای دارد که منجر به رفع تحریم‌ها می‌شود. برداشت تحریم‌ها در این جوک، القاکننده بهبود شرایط اقتصادی مردم است که جنبه اقناعی و هژمونیک جوک را بالا می‌برد.

ارزش‌های رابطه‌ای

یهو به‌جای بیست هزار تومن، بیست هزار دلار بردارم: اغراق در نتایج تحریم‌ها که منجر به برداشت بیست هزار دلار به‌جای بیست هزار تومان جنبه طنز جوک را افزایش داده است. از سوی دیگر به‌طور ضمنی اشاره به بهبود وضعیت اقتصادی در نتیجه رسیدن به توافق و رفع تحریم‌ها دارد.

باید از کارتم پول بردارم، می‌خوام دوباره‌کاری نشه: هرچند جنبه اغراق‌آمیز این جوک بالاست. اما با آوردن این دو جمله یکی در ابتدا و دیگری در انتهای جوک، در طبیعی سازی و باورپذیری آن تأثیرگذار بوده است.

ارزش‌های بیانی

تحریم‌ها رو بردارن: برداشت تحریم‌ها ثمره توافق هسته‌ای است که بازنمایی مثبت از توافق هسته‌ای برداشت می‌شود.

به‌جای بیست هزار تومن، بیست هزار دلار بردارم: این جمله دربردارنده ارزشیابی مثبت از جوک است که جنبه اقماعی این جوک را بالا برده است. درعین حال، شکلی از خوش‌بینی و نگاه ساده‌لوحانه را بازنمایی می‌کند. از سوی دیگر، در لایه‌های پنهانی این جوک، می‌توان دریافت که مردم پولدار شدن را نه درگرو کار و زحمت خودشان، بلکه درگرو رابطه با آمریکا می‌دانند و در انتظار رسیدن پولی بی‌زحمت هستند.

• ظریف کار خاصی انجام نداده...

تیم جلیلی چون انگلیسی بلد نبودن چیزی نمی‌فهمیدن، اصلاً از اول اختلافی وجود نداشته!

ارزش‌های تجربی

ظریف، تیم جلیلی: این جوک به‌طور ضمنی به مقایسه بین ظریف و جلیلی (مذاکره‌کننده ارشد ایران در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد) می‌پردازد و به موفقیت ظریف در حل اختلاف بین ایران و گروه ۵+۱ و رسیدن به توافق هسته‌ای و از سوی دیگر به عدم توانایی جلیلی در این مذاکرات، اشاره دارد. در واقع، جلیلی نماینده جناح اصولگرا و دولت دهم و ظریف نماینده دولت یازدهم است.

انگلیسی بلد نبودن: این جمله که علت عدم موفقیت جلیلی در مذاکرات هسته‌ای را نداشتن دانش زبانی می‌داند، همچنین به‌طور ضمنی اشاره غیرمستقیم به عدم دانش کافی جلیلی در مسائل دیگر نیز دارد.

ارزش‌های رابطه‌ای

اصلاً از اول اختلافی وجود نداشته: استفاده از این جمله در این جوک، جلیلی را که قادر نیست به زبان انگلیسی سخن بگوید، را در جایگاه فروتر قرار داده است.

ارزش‌های بیانی

ظریف: در این جوک، ظریف به‌طور ضمنی در جایگاه برتر از جلیلی قرار گرفته و بازنمایی مثبت شده است.

جلیلی: جلیلی به علت عدم تسلط به زبان انگلیسی و عدم رسیدن به توافق در جایگاه فروتر از ظریف قرار گرفته و نوعی بازنمایی منفی از او است. در عین حال، در این ژانر زبانی مقایسه؛ تخاصم میان دو جناح سیاسی از شیوه تند و پرخاشگرانه خودش نزول کرده و جنبه و ارزش کنایه‌ای پیدا کرده است و در معنی ضمنی‌اش اختلافات موجود را ناشی از عدم فهم زبانی دانسته است. به کلام دیگر، این اختلافات را متأثر از تفاوت‌های فرهنگی می‌داند. عدم تسلط به زبان انگلیسی، به عدم توافق فرهنگی اشاره دارد و این اختلافات را بیش از آن‌که سیاسی بداند، امری فرهنگی تلقی کرده است.

• ببخشید که ساعت ۳ صبح بیدارت کردم ولی باید می‌گفتم که انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست!!!

ارزش‌های تجربی

انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست: این جمله هژمونیک که در جریان مذاکرات هسته‌ای و برای همراه کردن مردم به وجود آمده است، همان‌طور که می‌بینیم در جوک‌ها نیز بازتولید شده و با عنصر طنز درآمیخته است. و ویژگی اقناعی این جمله را تا حد زیادی افزایش داده است.

ارزش‌های رابطه‌ای

ساعت ۳ صبح بیدارت کردم: گوینده با استفاده از این جوک در تلاش است تا خبری مهم و ضروری را به مخاطب القا کند.

ارزش‌های بیانی

انرژی هسته‌ای: گزاره انرژی هسته‌ای در این جوک و در جمله «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» دارای بازنمایی مثبت است. این جوک در معنای ضمنی خود بازگوکننده حقوق پایمال‌شده ملت ایران است. در برابر با شعار حقوق بشر، به این موضوع اشاره دارد که ملت ایران هم دارای حقوقی است که باید طبق قوانین حقوق بشر مورد توجه قرار بگیرد. این جمله به مثابه اعتراض به نادیده گرفته شدن حقوق ملت ایران بازنمایی می‌شود.

• دوستان توافق در زمینه هسته‌ای بود فقط!

اطلاع‌رسانی کنید مردم با تاپ و شلوارک نیان بیرون!!!

ارزش‌های تجربی

توافق در زمینه هسته‌ای بود فقط، مردم با تاپ و شلوارک نیان بیرون: در این جوک تاپ و شلوارک استعاره از آزادی‌های اجتماعی دارد. این جوک اشاره ضمنی به رسیدن به آزادی‌های مدنی دارد که حاصل توافق هسته‌ای است و در حالتی پارادوکسیکال (وارونه‌گویی) بیان می‌شود که جنبه طنزآمیزی جوک را افزایش داده است.

ارزش‌های بیانی

تاپ و شلوارک: واژگان تاپ و شلوارک به‌طور ضمنی اشاره به آزادی دارد و در تجربه ذهنی مخاطب یادآور آزادی‌هایی است که در جامعه سرکوب شده است. درعین حال که تاپ و شلوارک پوششی حاکی از راحتی و بی‌قیدی است، پوششی بچه‌گانه و نشانگر روزهای تعطیل و به سرکار نرفتن و در معنی ضمنی‌اش نشانگر تنبلی و کار نکردن است.

• به دکتر میگن چرا این قدر توافق نهایی رو لغتش میدی؟ دکتر میگه: مگه

دیوونه شدم زودی توافق کنم دیگه کاترین نیاد ایران مرغ از قفس بپره!!!

ارزش‌های تجربی

لفت دادن توافقی نهایی، کاترین نیاد ایران مرغ از قفس بیره: گزاره «لفت دادن توافقی نهایی» اشاره ضمنی به طولانی شدن مذاکرات هسته‌ای دارد. اصطلاح «مرغ از قفس پریدن» نیز به معنای از دست دادن فرصت است. این جوک که به‌طور ضمنی به روند مذاکرات و طولانی شدن آن انتقاد دارد با به حاشیه راندن ظریف به‌عنوان نماینده دولت روحانی، مذاکرات و توافقی هسته‌ای را بی‌ثمر می‌داند.

ارزش‌های رابطه‌ای

چرا این قدر لفتش میدی، مگه دیوونه شدم زودی توافقی کنم: استفاده از واژه‌های محاوره‌ای در این جوک حاکی از زبان عامیانه مردم و نشانگر ضعف و کم‌اهمیت بودن این توافقی از دید گفتمان موجود است.

کاترین نیاد ایران مرغ از قفس بیره: این جمله به‌طور غیرمستقیم به امری غیرممکن و نامحتمل اشاره دارد که جنبه طنز جوک را افزایش داده است. در نتیجه تمسخر مذاکرات هسته‌ای و به حاشیه رانی محمدجواد ظریف می‌باشد.

ارزش‌های بیانی

دکتر: این واژه به‌طور غیرمستقیم اشاره ضمنی به محمدجواد ظریف دارد که در حالتی غیرقابل‌تصور او را به حاشیه می‌راند، و دارای بازنمایی منفی از ظریف و توافقی هسته‌ای است. این شکل از ژانر زبانی، گفتار طنز و انگ زنی / برچسب‌زنی را در هم می‌آمیزد. درعین‌حال حاکی از نادیده گرفتن تلاش‌های یک سیاست‌مدار است. فرهنگ روزمره عجله کردن، مثل سریع از چراغ زرد رد شدن، به توافقی دیپلماسی و سرنوشت‌ساز تعمیم داده شده است. به‌طور ضمنی نشانگر عدم صبر و شکیبایی مردم می‌باشد.

● خبر فوری

قرار شده ایران از سانترفیوژهای خود فقط برای مقاصد صلح‌جویانه از جمله گرفتن آب هویج، آب پرتقال، شیرموز، معجون، شیر هویج بستنی، آب‌طالبی و گرفتن هسته آلبالو و گیلاس استفاده کند، توافق هسته‌ای مبارک.

ارزش‌های تجربی

سانترفیوژهای خود فقط برای مقاصد صلح‌جویانه: این جوک اشاره تمسخرآمیز به نتایج توافق هسته‌ای دارد و به‌طور غیرمستقیم به برجسته شدن انرژی هسته‌ای با توجه به این توافق اشاره دارد.

ارزش‌های رابطه‌ای

خبیر فوری: استفاده از این واژه در ابتدای جوک، شنونده را برای شنیدن موضوعی جدی آماده می‌کند، که در ادامه جوک بر مخاطب تأثیر می‌گذارد و درعین حال ویژگی اقناعی جوک را افزایش می‌دهد.

توافق هسته‌ای مبارک: این گزاره دارای بار کنایه‌ای است و با توجه به تبدیل شدن سانترفیوژها به دستگاه آب‌میوه‌گیری، این گزاره کنایه از یک توافق بد دارد.

ارزش‌های بیانی

صلح‌جویانه، آب هویج،...: در این جوک مقاصد صلح‌جویانه سانترفیوژها به گرفتن آب‌میوه تعبیر شده است و به‌طور ضمنی اشاره به برجسته شدن سانترفیوژهای دارد که در یکی از بندهای متن توافق هسته‌ای وجود دارد. و بازنمایی منفی از توافق هسته‌ای دارد.

تفسیر

جوک‌ها در خصوص توافق هسته‌ای از نوع جوک‌های هم‌زمانی است که در حین مذاکرات هسته‌ای و همچنین بعد از توافق انتشار یافته است. همان‌طور که در بخش توصیف ذکر کردیم، تعدادی از جوک‌ها با بازنمایی مثبت و تعدادی نیز با بازنمایی منفی بازتاب داشته‌اند. به نظر می‌رسد که بازنمایی مثبت در قالب گفتمان قدرت حاکم

(دولت یازدهم) و بازنمایی منفی در قالب گفتمان مخالف قدرت حاکم (اصولگرایان) شکل گرفته است، که گفتمان‌ها و پادگفتمان‌های جوک هسته‌ای را بوجود آورده‌اند. در تحلیل این جوک‌ها ما شاهد چرخش‌های زبانی برای منازعه هژمونیک هستیم. هر یک از این گفتمان‌ها در پی آنند تا پیش‌فرض‌هایی را برای توافق هسته‌ای در جوک‌ها در نظر بگیرند. این پیش‌فرض‌ها که با ویژگی‌های متنی مثبت و منفی ارزش داده شده، در جوک‌های هسته‌ای نیز بازنمود داشته است. بدین ترتیب، می‌توان جوک را یک ژانر زبانی دانست که در مناسبات قدرت و منازعات هژمونیک به‌عنوان رسانه‌ای ارزش‌گذار مورد استفاده قرار می‌گیرد تا برای تعیین بخشیدن به‌نظام گفتمانی جنبه پراکتیکال داشته باشد.

همچنین ویژگی‌های متنی جنبه‌های مثبت و منفی را بازتاب می‌دهد که درون‌مایه جوک‌های هسته‌ای را تشکیل می‌دهد. درون‌مایه‌های اصلی جوک‌های هسته‌ای در دودسته گفتمان و پادگفتمان (موافق و مخالف) قرار می‌گیرند:

- در گفتمان جوک هسته‌ای به جنبه‌ها و ویژگی‌های مثبت این مذاکرات و توافق اشاره شده است. مجموع این ویژگی‌ها و جنبه‌های مثبت، درون‌مایه اصلی این جوک‌ها را تشکیل داده‌اند. ویژگی‌هایی چون رفع مشکلات اقتصادی و بهبود اقتصاد کشور، رفع مشکلات سیاسی و برقراری رابطه با آمریکا، رفع تحریم‌ها و گشایش اقتصادی، رسیدن به آزادی‌های مدنی، حق غنی‌سازی و برخورداری از انرژی هسته‌ای.

- درون‌مایه پادگفتمان جوک هسته‌ای، جنبه‌های منفی مذاکرات و توافق را برجسته کرده است. طولانی شدن روند مذاکرات هسته‌ای، محدودیت فعالیت‌های هسته‌ای، برچیده شدن سانترفیوژها و انرژی هسته‌ای، تمسخرآمیز بودن متن توافق هسته‌ای و نتایج آن، جنبه‌های منفی است که در برخی از جوک‌ها برجسته شده است.

جدول ۱- درون‌مایه‌های جوک هسته‌ای

پادگفتمان (بازنمایی منفی)	گفتمان (بازنمایی مثبت)	درون‌مایه‌های جوک هسته‌ای
طولانی شدن روند مذاکرات هسته‌ای محدودیت فعالیت‌های هسته‌ای برچیده شدن سانترفیوژها و انرژی هسته‌ای تمسخرآمیز بودن متن توافق هسته‌ای و نتایج آن	رفع مشکلات اقتصادی و بهبود اقتصاد کشور رفع مشکلات سیاسی در برقراری رابطه با آمریکا رفع تحریم‌ها و گشایش اقتصادی رسیدن به آزادی‌های مدنی حق غنی‌سازی و برخورداری از انرژی هسته‌ای	

تبیین

ویژگی‌های متن‌هایی که حامل اثرات ایدئولوژیک است، درون‌مایه جوک‌های هسته‌ای را بوجود آورده است. درون‌مایه جوک هسته‌ای از دو ایدئولوژی متفاوت برآمده، بازنمایی متفاوتی از مذاکرات و توافق هسته‌ای دارد. برخی جوک‌های هسته‌ای جنبه‌های مثبت و برخی دیگر جنبه‌های منفی توافق هسته‌ای را بازتاب می‌دهند و دارای سویه به‌شدت ایدئولوژیک هستند. به نظر می‌رسد این جوک‌ها از یک سو ریشه در گفتمان جبهه موافق حاکم (دولت یازدهم) و از سوی دیگر ریشه در جبهه مخالف دولت یازدهم دارند. در واقع، تصویری که می‌توان از درون‌مایه‌های جوک هسته‌ای داشت، بازنمود گفتمان دو جناح اصلی سیاسی در ایران است.

موافقان دولت از حزب اعتدالیون و اصلاح‌طلبان هستند که دولت را در انتخابات سال ۹۲ در اختیار گرفته‌اند و مهم‌ترین وعده آن‌ها رسیدن به توافق هسته‌ای بوده است. از طرفی می‌توان گفت پادگفتمان جوک هسته‌ای از اصولگرایان برآمده است که در زمان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد نتوانسته بودند با ۵+۱ به توافق برسند و نیز در انتخابات ریاست جمهوری گذشته نیز مغلوب جناح مخالف خود شده بودند. بنابراین

تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق ... ۱۴۳

رسیدن به این توافق برای جناح راست دولت به منزله یک پیروزی بزرگ به حساب می‌آید و جناح مخالف در این جوک‌ها در تلاش است با تخریب گفتمان دولت یازدهم و جنبه‌های منفی‌ای که به این توافق نسبت می‌دهد، از توافق هسته‌ای به‌عنوان یک توافق بد یاد کند.

گذشته از موارد یادشده، می‌توان گفت که این قبیل جوک‌ها، در برخی موارد که ویژگی‌های مثبت یا منفی را در حالتی اغراق‌شده، برای توافق هسته‌ای برمی‌شمارند، از مرز عقلانیت و منطق گذشته‌اند. ویژگی‌هایی که در عالم واقع امکان تحقق آن‌ها غیرممکن است. برای مثال، برقراری رابطه با آمریکا و یا رسیدن به آزادی‌های مدنی که به‌واسطه همین توافق امکان‌پذیر خواهند شد که دور از ذهن است در عالم واقع میسر شود. ولی همان‌طور که در بخش توصیف نیز گفتیم ویژگی اقناعی گفتمان اصلی دو جناح را افزایش داده و به هژمونیک شدن گفتمان آن‌ها کمک می‌کند. بدین ترتیب، این شکل از ارتباطات غیرصریح و حاوی طنز و اغراق‌گویی، می‌تواند از جمله متن‌هایی به شمار بیاید که با حفظ بینامتنیت خود یعنی از یک‌سو روابط دیپلماتیک و مطالبات جناح‌های سیاسی و دولت و از سوی دیگر مطالبات عامه مردم در زندگی روزمره؛ در ابعاد پرکتیکال و کنش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در خدمت قدرت قرار بگیرند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق نشان داده شد که چگونه زبان در مناسبات قدرت در قالب طنز و شوخ‌طبعی چرخش پیدا می‌کند و با قرارگرفتن در جایگاه طنز سیاسی هژمونیک می‌شود. خیال‌پردازی حاصل از جنبه‌های ایدئولوژیک زبان جوک، وضعیت موجود را بازنمایی و تفسیر می‌کند. این بازنمایی‌های گفتمانی موجب ایجاد، حفظ یا تغییر در روابط اجتماعی و کردارهای گفتمانی می‌گردد.

در تحلیل جوک‌ها در خصوص توافق هسته‌ای با مدل سه‌بعدی فرکلاف با توجه به ویژگی‌های متنی آن مشخص شد که تعدادی از آن‌ها، بازنمایی مثبت و تعدادی نیز بازنمایی منفی از توافق هسته‌ای دارند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که ژانر زبانی جوک می‌تواند در خدمت قدرت قرار بگیرد و برای هژمونیک گفتمان قدرت به کار برود. ویژگی اغراق‌گویی در قالب شوخ‌طبعی منجر به افزایش اقناعی یا شکاف در نظام گفتمان سیاسی غالب می‌گردد. همچنین گفتمان جوک، گفتمان تک‌صدا را می‌شکند و وجه بیناگفتمانی را ایجاد می‌کند. گفتمان جوک تفسیرهای گوناگونی را از گفتمان‌های غالب مهیا می‌سازد و موجب پالودن یا تکامل آن شده و آن را از جزمیت، یک‌جانبگی، جمود، تعصب و رزی، خشک‌اندیشی، عناصر ترس یا ارعاب و خشکی می‌پاید و جدیت را از انجماد و جدا شدن از زندگی روزمره بازمی‌دارد. این جوک‌ها شکل تناقض‌آمیزی از امید همراه با یأس را نشان می‌دهند و به فرهنگ ریاضت‌کشی تحریم‌ها دهن‌کجی می‌کنند و با تأکید به زندگی جسمانی و تمسخر جدیت فرهنگ رسمی، امر سرکوب‌شده را آزاد می‌سازند.

منابع

- باختین. میخائیل. (۱۳۸۷). *تخیل مکالمه‌ای: جستارهای درباره زمان*، ترجمه: رؤیا پور آذر، تهران: نشر نی.
- پیروز. غلامرضا؛ حقیقی. مرضیه. (۱۳۹۳). مقاله طنز کارناوالی و بازتاب آن در داستان‌های بهرام صادقی، *مجله جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، دوره ۶، شماره ۱.
- خانیکی. هادی؛ برکت. محیا. (۱۳۹۴). بازنمایی ایدئولوژی‌های فرهنگی در بازی‌های رایانه‌ای. *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۱ (۴).
- رشیدی. صادق؛ صبورنژاد. زهرا. (۱۳۹۴). ستارگان سینما و هویت آنلاین مطالعه نشانه شناختی بازسازی مفهوم ستارگی پس از اینترنت (مطالعه موردی تصاویر منتشر شده در اینستاگرام الناز شاکردوست). *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۱ (۳).
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران: نشر نی.

تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق ... ۱۴۵

– فرقانی، محمدمهدی؛ عبدی، سید عیسی. (۱۳۹۵). بازنمایی زن در جوک های جنسیتی؛ تحلیل گفتمان انتقادی جوک های جنسیتی در مورد زنان در شبکه های موبایلی. *مجله مطالعات فرهنگ-ارتباطات* شماره ۳۳.

– فرکلاف. نورمن. (۱۳۸۸). مقاله چارچوبی برای تحلیل گفتمان سیاسی در رسانه ها، ترجمه: علی اصغر سلطانی و محسن ناصری راد، *مجله علوم سیاسی*. شماره ۴۸.

– یورگنسن. ماریان؛ فیلیپس. لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- Angenot, Marc. (2004) Social Discourse Analysis: *Outlines of a Research Project Yale Journal of Criticism*, Number 2, Fall 2004, pp. 199–215. http://www.liquisearch.com/interdiscourse/power_ideology_and_interdiscursive_configuration
- Chouliaraki, Lilie and Norman Fairclough (1999). *Discourse in Late Modernity Rethinking Critical Discourse Analysis*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Diabah, Grace and Appiah Amfo, Nana Aba. (2015). *Caring supporters or daring usurpers? Representation of women in Akan proverbs*. *Discourse & Society* 26(1): 3–28.
- Everts, Elisa. (2003). *Identifying a particular family humor style: A sociolinguistic discourse analysis*. *Humor* 16(4): 369-412.
- Fairclough, Norman. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, Norman. (1992a). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Fairclough, Norman. (1992b). *Intertextuality in Critical Discourse Analysis*, *Linguistics and Education*, 4(3): 269-293.
- Fairclough, Norman. (1993). *Critical Discourse Analysis and the Marketisation of Public Discourse*: The Universities. *Discourse & Society* 4(2): 133–168.
- Fairclough, Norman. (1995). *Media Discourse*. London: Edward Arnold.
- Fairclough, Norman. (2003). *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. London: Routledge.
- Fairclough, Norman. (2006). *Language and Globalization*. London: Routledge.

- Fairclough, Isable and Fairclough, Norman. (2012). *Political Discourse Analysis: A Method for Advanced Students*. London: Routledge.
- Fairclough, Norman. (2014). *Language and Power* (3rd edition). London: Longman.
- KhosraviNik, Majid. (2015). *Macro and micro legitimation in discourse on Iran's nuclear programme*: The case of Iranian national newspaper Kayhan. *Discourse & Society* 26(1): 52-73.
- Sheyholislami, Jaffer. (2001). *Critical discourse analysis*. Accessed August 12, 2010. <http://www.carleton.ca/~jsheyhol/cda.htm>
- Simpson, Paul. (2003). *On the discourse of Satire: Toward a Stylistic Model of Satirical humour*. Philadelphia: John Benjamins B.V.
- Voloshinov, V.N. (1973). *Marxism and the Philosophy of language*. New York & London: Seminar Press.